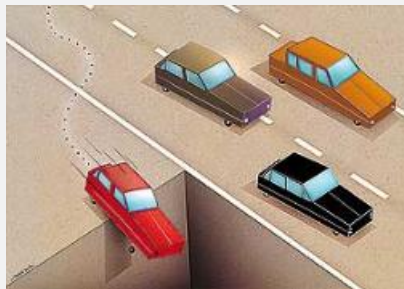


علت بروز بیماری قانون‌گریزی چیست؟

مثل سوارکارها، بعضی‌ها قانون را مانعی می‌دانند که باید از چند متر مانده به آن خیز برداشت و روی هوا به بدن کش و قوس داد و سرانجام چند متر آن طرف‌تر در حالی که قانون پشت سرمانده، فرود آمد.



جام جم آنلاین: مثل سوارکارها، بعضی‌ها قانون را مانعی می‌دانند که باید از چند متر مانده به آن خیز برداشت و روی هوا به بدن کش و قوس داد و سرانجام چند متر آن طرف‌تر در حالی که قانون پشت سرمانده، فرود آمد.

حکایت آنها که خیز برمی‌دارند، حکایت آدم‌های قانون‌گریزی است که ترمزی به اسم قانون را نمی‌پسندند و حکایت آن خیز برداشتن‌ها و کش و قوس دادن‌ها به بدن آن است که قانون‌گریزان برای پریدن از روی موانع گاه دست به جیب می‌شوند و رشوه می‌دهند و گاه با قانون‌گریزان دیگر همدست می‌شوند و کارهای نشدنی را شدنی می‌کنند.

اینها همه جا هستند، همه جا نفوذ می‌کنند، با هر فرد از هر طبقه و جایگاه اجتماعی بر می‌خورند و به راه‌های جدید گذر از قانون فکر می‌کنند تا راحت‌تر و کم‌خطرتر از همیشه به اهدافشان برسند. اینها قانون‌گریزان حرفه‌ای‌اند که نظم اجتماع را به هم می‌زنند و باعث می‌شوند آدم‌های ضعیف و بی‌نفوذ برای به نتیجه رساندن کوچک‌ترین هدف، دستشان در پوست گردو بماند.

آماتورها چه می‌کنند

برای بعضی‌ها همین که از چراغ قرمز عبور کنند و ببینند در آن حوالی هیچ مامور پلیس یا دوربین راهنمایی وجود ندارد و جریمه‌ای نیز در کار نیست، کفایت می‌کند؛ برای بعضی‌ها هم پوشاندن پلاک ماشین برای فرار از دوربین‌های ثبت ورود به محدوده طرح ترافیک.

برخی نیز اگر زباله‌هایشان را از شیشه ماشین بیرون بیندازند و سطل زباله خانه‌شان را در گوشه‌ای از کوچه بتکانند، کافی است. رد نشدن از پل عابر پیاده، عبور نکردن از خط‌کشی عابران در چهارراه‌ها، تمیز نگه نداشتن سرویس‌های بهداشتی عمومی یا کندن گل‌های حاشیه بزرگراه‌ها هم داغ درون برخی‌ها را خنک می‌کند.

قانون‌گریزان همواره سود و زیان ناشی از رعایت قانون را محاسبه می‌کنند و اگر به این نتیجه برسند که ضرر رعایت قانون بیشتر از سود آن است، از مانع قانون عبور می‌کنند.

این افراد به کمبودها و نابسامانی‌ها معترضند و سعی دارند با زیر پا گذاشتن قانون، خود را تسکین دهند مثلاً نمی‌دانند وقتی اوضاع مالی‌شان خوب نیست و تازه کارشان را از دست داده‌اند چرا باید پشت چراغ قرمز حتی در میانه شب بایستند و اگر زباله‌ای در دست دارند تا رسیدن به سطل زباله آن را پیش خود نگه دارند.

برای اینها تبعیت از قانون فقط گیر انداختن دست و پا در بند است، آن هم در شرایطی که دیگران که آدم‌هایی بانفوذ هستند به راحتی همه قوانین را زیر پا می‌گذارند و ماندن در پشت سد قانون را وظیفه آدم‌های ضعیف می‌دانند. این افراد ملامت از اعتراض همان قانون‌گریزان آماتورند که اگرچه با فرارهای غیرقانونی‌شان لطمه‌های بزرگ به کسی نمی‌زنند، اما وقتی قانون‌گریزی‌های خرد خردشان کنار هم جمع شود، بزرگ‌ترین لطمه را به اجتماع می‌زند که قرار است از این به بعد با توجیهات غلط قانون‌گریزها، دچار بی‌انضباطی شود.

حرفه‌ای‌ها چه می‌کنند؟

قانون‌گیرهای حرفه‌ای، اما نه گل‌های حاشیه خیابان را می‌کنند نه وقتی قرار است پشت رل بنشینند از چراغ قرمز عبور می‌کنند. اینها آدم‌های یقه سفیدی هستند که ظاهرشان کاملاً منطبق بر قانون است و اگر کسی زندگی‌شان را زیر ذره‌بین بگیرد کوچک‌ترین اشتباهی از آنها نمی‌بینند.

قانون‌گیرهای حرفه‌ای، گریزهایشان را در سکوت انجام می‌دهند و زد و بندهایشان را پنهانی به سامان می‌رسانند. برای همین آنها نه دست کسی گزک می‌دهند و نه پیش کسی جز همدست‌هایشان دستاویز دارند.

اینها برای رسیدن به مقاصدشان پول خرج می‌کنند و از زنجیره‌ای از روابط در سازمان‌ها و نهادها بهره می‌گیرند تا اهدافشان را محقق کنند. برای این گروه از قانون‌گیران حتی سخت‌ترین قوانین نیز قابل شکستن است، چون آنها از دست‌هایی بهره می‌گیرند که بالای همه دست‌های عادی است و در نهایت همین دست، مشت می‌شود که با تمام توان بر سر مردمی که پول، قدرت و رابطه ندارند، فرود می‌آید.

سه گروه و سه استدلال

هر کسی بهتر از دیگران می‌داند موضعش در برابر قانون چیست. یعنی آیا قانون را الزامی حتمی برای زندگی می‌داند و در هر شرایطی به آن گردن می‌نهد یا بین قوانین مختلف تفاوت قائل می‌شود و آنها را به بد و خوب تقسیم می‌کند یا این که در هر قانونی یک ایراد پیدا می‌کند، اما در عین حال چیزی از درون او را به تبعیت از قوانین پرابراد وادار می‌کند.

کسانی که در این سه گروه جای می‌گیرند در علم جامعه‌شناسی همان کسانی هستند که در سه گروه قانون‌گیران ابزاری، قانون‌گیران اعتراضی و قانون‌گیران اخلاقی طبقه‌بندی می‌شوند.

حرف قانون‌گیران ابزاری این است که فقط وقتی باید از قانون تبعیت کرد که منافع ما را تامین کند. به همین علت است که اینها همیشه سود و زیان ناشی از رعایت قانون را محاسبه می‌کنند و اگر به این نتیجه برسند که ضرر رعایت قانون بیشتر از سود آن است از مانع قانون عبور می‌کنند.

قانون‌گیران اعتراضی اما کاری به سود و زیان ندارند. آنها در همه حال اعتراض دارند و معتقدند چون نهادهای قانونگذار و مجریان قوانین، مشروعیت ندارند پس باید از رعایت قوانینی که محصول کار آنهاست، پرهیز کرد. آنها مدام پیش خود می‌گویند چرا باید از قانونی اطاعت کرد که حتی مجریان آن نیز از آن اطاعت نمی‌کنند.

به اعتقاد آنها، قوانین فقط به این علت وضع می‌شود که منافع عده‌ای خاص را تامین کند در حالی که تجربه نشان داده آنها که قانون را رعایت نمی‌کنند از دیگران موفق ترند و اگر کسی قانون را رعایت نکند، راحت‌تر به مقاصدش می‌رسد.

اما حساب گروه سوم قانون‌گیران از اینها جداست. قانون‌گیران اخلاقی اگرچه از قوانین ایراد می‌گیرند و به آنها انتقاد دارند، اما معتقدند باید در همه حال از قوانین اطاعت کرد، حتی اگر با اعتقادات افراد مغایر باشد چون تخلف از قانون در هیچ شرایطی توجیه نمی‌شود.

ریشه‌های گریز

همه قانون‌گیران نمی‌توانند مثل اخلاق‌گراها فکر کنند. قانون‌گیرانی که می‌بینند عده‌ای خاص با پرش از روی قانون به اهدافشان می‌رسند و مجازات هم نمی‌شوند، نمی‌توانند سکوت اختیار کنند و دم نزنند. بنابر این صدای اعتراضشان را بلند می‌کنند و اگر اعتراضشان به گوش کسی نرسید، فرار از قانون را پیشه خود می‌کنند حتی اگر این گریزها در موارد کوچک و ناچیز باشد.

اما خطا هر چقدر کوچک باشد لطمه‌اش را به اجتماع خواهد زد؛ مثل ماجرای جمع شدن قطره‌ها در کنار هم که دریاهای مواج می‌سازند. برای همین است که جامعه‌شناسان زیادی در سراسر دنیا کوشیده‌اند دریابند چرا در جوامع افرادی هستند که به درجات مختلف از اجرای قانون فرار می‌کنند.

آنها مطالعاتی انجام داده‌اند که نشان می‌دهد دلایل قانون‌گریزی متعدد است که عواملی چون ضعف نظام‌های نظارتی، بی‌انضباط بودن اجتماع، مشروع نبودن نظام سیاسی، نبود رابطه سالم میان دولت و ملت، حاکمیت رابطه و خویشاوندسالاری در کنار قاطع نبودن مجازات‌ها در صدر قرار دارد.

پژوهشگران در عین حال از فشاری نام می‌برند که عنوانش آنومی است و بر کسانی وارد می‌شود که هنجارهای پذیرفته شده در درونشان با واقعیت‌های اجتماعی نمی‌خواند. محققان به همین علت استدلال می‌کنند قانون‌گریزی نوعی جهت‌گیری نسبت به هنجارهای قانونی است که براساس آن، فرد پیروی نکردن از آنها را بر اطاعت از هنجارها ترجیح می‌دهند.

رفع تبعیض، درمان درد

شاید اگر فردی قانونمدار به جای فردی قانون‌گریز بنشیند به او حق بدهد که به خاطر کاستی‌های اجتماع به اجرای قوانین تن ندهد. اما واقعیت این است در جامعه‌ای که پر از کمبود است اگر قرار باشد همه افراد قوانین را به اندازه توان خود زیر پا بگذارند دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و بزودی هرج و مرج ناشی از آن دامن فرد قانون‌گریز را هم می‌گیرد.

اما تبعیض‌های موجود در اجتماع و این‌که افراد با قدرت و نفوذ هیچ‌گاه مجازات نمی‌شوند - و اگر حکمی نیز علیه‌شان صادر شود به خاطر روابطی که دارند معلق می‌شود - فشاری است که توان تحمل افراد را خیلی زود از بین می‌برد. پس اگر قرار است در جامعه‌ای فرار از قانون به حداقل برسد ابتدا باید عدالت اجتماعی برقرار شود تا مردم مطمئن شوند هر فرد به همان اندازه بهره‌مند می‌شود که تلاش کرده است.

مریم خباز / گروه جامعه